

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۶ اگست ۲۰۱۹

در باره زندگی رفیق محمد رضا الماسی



چریک فدائی خلق رفیق محمد رضا الماسی در سال ۱۳۴۲ در خانواده ای کارگری در قصر شیرین کرمانشاه به دنیا آمد. پدرش کارگر رنج دیده ای بود که مانند هزاران تن از هم زنجیرانش در زیر حاکمیت سپاه و خفقان بار رژیم شاه، با درد و مشقت در تلاش بود تا هزینه های زندگی خانواده اش را مهیا سازد. به رغم همه تلاش های پدر، اما سایه سنگین فقر همواره بر سر خانواده آنها جولان می داد و به همین دلیل هم رفیق محمد رضا از همان کودکی، فقر را با همه وجود لمس کرد و شناخت. محمد رضا از دوران کودکی و نوجوانی در تابستان ها که مدرسه نمی

رفت همراه با پدرش به کارگری می پرداخت تا در حد توان از نیروی کار کودکانه اش استفاده کرده و به پدرش در تأمین مخارج خانواده کمک نماید. به این ترتیب فقر در خانه و تحت استثمار قرار گرفتن به عنوان یک کودک کار، از همان کودکی شکل دهنده پایه های شخصیت مبارزاتی وی شدند.

در جریان اوج گیری انقلاب سال های ۵۶ و ۵۷ در شرایطی که رفیق محمد رضا الماسی ۱۴ یا ۱۵ سال بیشتر نداشت و یک نوجوان محسوب می شد به سیل انقلاب مردم پیوست تا با همه وجود، در مبارزه جهت نابودی نظم ظالمانه ای که با پوست و گوشت خود آن را لمس کرده بود شرکت کرده و در ساخته شدن دنیای عاری از ستم و استثمار سهمی داشته باشد.

رفیق الماسی در جریان شرکت در انقلاب، با انقلابیون دیگری همچون رفیق مهرداد شاهمرادی آشنا شد و در شرایطی که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به دلیل صداقت و رزم دلاورانه کمونیست های فدائی با رژیم دیکتاتور شاه، در دل توده ها جای گرفته و بعد از قیام بهمن مورد استقبال وسیع توده ها قرار گرفت، او نیز همراه رفقاییش به هواداری از این سازمان برخاست. با توجه به پیشینه زندگی کارگری اش، رفیق الماسی با مطالعه آثار مارکسیستی هر چه عینی تر اندیشه های سوسیالیستی را به خود جلب نمود و دید انقلابی وسیعتری یافت. به همین خاطر خیلی زود با مشاهده مفاشات طلبی های اپورتونیست های رخنه کرده در سازمان بعد از قیام بهمن، توانست صف خود را از آنها جدا ساخته

و به چریکهای فدائی خلق ایران که عهده دار حفظ و غنای تئوری پرولتری، ارزش ها و سنت های رزمندگان سیاهکل شدند، ببینند. چریکهای فدائی خلق، تشکیلاتی بود که از همان ابتداء ماهیت ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی را اعلام و بر ضرورت سازماندهی مسلح توده ها برای تداوم انقلاب تا پیروزی تأکید داشت. پیوستن به چریکهای فدائی خلق به رفیق محمد رضا امکان داد تا در شرایط بعد از قیام بهمن اولین رفیق در قصر شیرین باشد که پیگیرانه میز کتاب چریکهای فدائی خلق را در این شهر برپا نماید.

به دنبال آغاز جنگ امپریالیستی ایران و عراق که تنها و تنها در جهت منافع امپریالیسم امریکا و قدرت های بزرگ امپریالیستی آن زمان و به ضد منافع و مصالح خلق های ایران و عراق شکل گرفته بود، شرایط جنگی وحشتناکی در قصر شیرین شکل گرفت که منجر به آن شد که خانواده رفیق تصمیم گرفتند به کرمانشاه نقل مکان نمایند. از آن زمان به بعد رفیق الماسی فعالیت های مبارزاتی اش را همراه با رفیق مهرداد شاهمرادی در صفوف فعالان چریکهای فدائی خلق در کرمانشاه ادامه داد.

به دنبال یورش سراسری و سیستماتیک رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی به نیرو های مردمی و سازمان های سیاسی در ۳۰ خرداد ماه [جوزا] سال ۶۰، اوضاع جامعه شدیداً دگرگون شد و روزی نبود که روزنامه های رژیم خبر اعدام تعدادی از کمونیست ها و مبارزان را درج نکنند. در چنین شرایط خفقان بار و سخت، رفقای کرمانشاه بیش از گذشته اصول مخفی کاری را رعایت می کردند تا بهتر بتوانند به مقابله با یورش رژیم بپردازند. با این حال در شرایط یورش دشمن به توده های مبارز که موجب ترس و وحشت در برخی از افراد سابقاً مبارز می شد، یکی از همکاران سابق رفقای کرمانشاه نیز به همکاری با دژخیمان جمهوری اسلامی پرداخت و از این طریق بخش بزرگی از رفقاء در این شهر زیر ضرب رفتند. در پانزدهم اسفند ماه [حوت] سال ۶۰ رفیق محمد رضا همراه با تعداد زیادی از همزمانش دستگیر و به زندان دیزل آباد کرمانشاه منتقل شدند. در زندان، رفیق محمد رضا الماسی خود را در میدان جدیدی از مبارزه یافت که پیش از آن، تنها در باره اش خوانده و شنیده بود. این میدان جدید مبارزه، سیاهچال رژیم جمهوری اسلامی بود که از طرف امپریالیسم امریکا و شرکایش مأموریت سرکوب انقلاب مردم ایران را به عهده گرفته بود. از این رو مزدوران حکومت در آن سیاهچال ها، صد ها تن از فرزندان دلیر و رشید کارگران و زحمتکشان ما نظیر محمد رضا الماسی را در زیر شکنجه و سرکوب قرار دادند تا آنها را از راه مبارزه و مقاومت بازدارند و جنبش انقلابی مردم ما را به خیال خود نابود کنند. اما مقاومت در مقابل شکنجه ها و رنج ها و آزار های بازجو های بی همه چیز جمهوری اسلامی در زندان آن عرصه جدید مبارزه بود که رفیق محمد رضا از آن سرفراز بیرون آمد. مقاومت های قهرمانانه او پوزه دژخیمان را که برای به تسلیم واداشتن او به هر تلاش جنایتکارانه دست زدند، به خاک مالید. سرانجام رفیق الماسی با افتخار و سری افراشته در ۵ مرداد [اسد] سال ۱۳۶۱ به دست مزدوران جمهوری اسلامی اعدام شد. با اعدام رفیق محمد رضا الماسی طبقه کارگر ما یکی از رزمندگان صادق و فداکار خود را از دست داد؛ رفیقی درد کار کشیده که با همه وجود در راه تحقق آرمان های انقلابی طبقه کارگر و رسیدن به سوسیالیسم می رزمید و برقراری یک نظام دموکراتیک و مردمی فارغ از ظلم و ستم هدف و انگیزه مبارزاتی وی را تشکیل می داد.

یاد رفیق محمد رضا الماسی گرامی و راهش پر رهرو باد!

به نقل از: ماهنامه کارگری، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۶۷، پانزدهم مرداد ماه [اسد] ۱۳۹۸